

بررسی زندگی و اندیشه شهدای روستای جامخانه

به کوشش گروه پایگاه مقاومت بسیج شهیدمحمد منتظری جامخانه و گروه پژوهشگران فرهنگ عامه جامخانه^۱

چکیده

هدف محققان در این مقاله بررسی زندگی‌نامه شهیدان روستای جامخانه در جنگ تحمیلی می‌باشد. روستای جامخانه یکی از بزرگترین روستاهای مازندران می‌باشد که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعداد خانوار آن حدود ۱۳۰۰ و جمعیت آن حدود هشت هزار نفر می‌باشد. سابقه کهن تاریخی-فرهنگی این روستا جملگی نشان از درک و شعور سیاسی بالای مردمان روستا دارد. جامخانه در قسمتی از کشور ایران، استان مازندران واقع در شهرستان میانرود بزرگ قرار دارد و مرز بین دو شهر نکاء و ساری است. این روستا در ۳۶ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی با ارتفاع ۲۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. این روستا به لحاظ تاریخی و آثار به دست آمده (موزه بابل) سابقه بیش از ۳۰۰۰ ساله دارد. مردمان دیندار و ولایتمدار این روستا در طول هشت سال دفاع مقدس ۲۶ شهید ۵۰ جانباز و ۱۰ آزاده تقدیم انقلاب نمودند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اهداف اصلی شهدای جامخانه در سه ویژگی مشاهده می‌گردد: الف: فی سبیل الله ب: آگاهی ج: اختیار که داشتن روحی بزرگ و توانمندی پیش نیازی برای رشادت و شهادت محسوب می‌گردد.

واژگان: شهدا، روستای جامخانه، جنگ تحمیلی، زندگی‌نامه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - پژوهشگران: ۱- رضا عبادی جامخانه- ۲- حبیب الله بالویی ۳- قاسم باقری ۴- روح الله بازاری ۵- عمران بالویی ۶- مهرا ن اصغری ۷- علیرضا بازاری

مقدمه

سی و یکم شهریور ماه ۲۲/۱۳۵۹ سپتامبر ۱۹۸۰ در زمهره روزهای فراموش نشدنی تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. در این روز با بمباران هوایی فرودگاه ها و شهرهای مهم ایران توسط هواپیماهای عراقی و سپس تهاجم گسترده نیروی زمینی این کشور به قلمرو ایران تجاوز نظامی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. این جنگ برآیند اختلافات تاریخی دو کشور همسایه از عصر عثمانی و صفوی و از زمان جنگ چالدران (۲ رجب ۹۲۰ ه.ق / ۲۳ اوت ۱۵۱۴ م) بوده است. این اختلافات بر روابط ایران با دولتهای بعد از سقوط عثمانی که بر بین النهرین حاکم شدند تاثیر سویی بجا گذاشت. براین اساس اهداف اصلی محققان در این نگارش بررسی زندگانی شهدای روستای جامخانه می باشد و جهت بررسی داده ها از روش تحقیق تاریخی-اسنادی استفاده می گردد.

روستای جامخانه در قسمتی از کشور ایران، استان مازندران واقع در شهر ساری بخش میانرود بزرگ قرار دارد و مرز بین دو شهر نکا و ساری است. این روستا در ۳۶ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۱۵ دقیقه طول شرقی با ارتفاع ۲۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. جامخانه در پایین ترین بخش تپه ای رشته کوه های البرز قرار گرفته است، به لحاظ آب و هوایی جامخانه روستایی در کوه و دشت و نسبت به دیگر روستاهای ساری تفاوت جزئی دارد.

بنا به گفته پیران که آنان نیز از گذشتگان خود نقل می کنند وجه تسمیه و نام روستا بدین سبب بوده است که گویا جام جمشید جم در ازمه قدیم در این منطقه دفن شده است و چون سوابقی باعث شده است که برای پیدا کردن گنج مردم روستا و دیگر افراد دست به حفاری های متعددی در نقاط مختلف روستا بزنند. در سالهای اخیر حدود ۳۴ ظرف سفالی مربوط به سه هزار سال قبل کشف شد. (عبادی، محمدرضا، ۱۳۷۵) روستای جامخانه بخاطر موقعیت ارتباطی و گستردگی زمین های زراعتی و متصل بودن به جنگل اهمیت خاصی داشته و دارد. سند و دلیل کافی وجود دارد که سابقه روستا را به سه هزار سال می رساند و اهالی روستا می گویند اولین ساکنین در این روستا قبل از آچند (ACHEND) ساکن بوده اند که محل آن در دره ای به موازات جامخانه فعلی معروف به (ازارک) (AZZAREK) بوده است که در پی زلزله و خشک شدن منابع آبی به محل فعلی و کنونی نقل مکان کردند. «در سفرنامه رایینو نیز آمده است که جامخانه موضعی است از میانرود در فرح آباد مازندران (و در فرهنگ جغرافیایی ایران نیز آمده است دهی از دهستان میانرود و رود بزرگ بخش مرکزی ساری در ۱۶ هزار گزی جنوب غربی شهرستان ساری و ۹ هزار گزی شهر نکا و ۳ هزار گزی راه شوسه قرار دارد و در دامنه واقع است و

های دفاعی وامنیتی یافت می‌شود واز قلعه های معروف می‌توان قلعه داراب شاه در ۱۵ کیلومتری جنوب روستا واقع در جنگل و کافر قلعه که بین روستاهای پيله کوه وجامخانه ودارابکلا قرار دارند و نیز دختر قلعه واقع در منطقه ازارک (شرق روستا) را نام برد . همه این آثار مربوط به دوران قبل از اسلام بوده در حدود ۸۰ درصد تخریب شده‌اند. (عبادی،۱۳۹۵)



تصویر ۱: چشم اندازی از جامخانه فعلی

پیشینه تحقیق

در رابطه با تحقیق حاضر به خلاصه تحقیقات انجام شده پیرامون شهدای انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌شود: آخوندی (۱۳۸۳) ، بی‌نیاز (۱۳۸۲)، سنگری (۱۳۸۰)، کمری (۱۳۸۰) ورضایی وهمکاران(۱۳۹۰) در نتایج تحقیقشان پیرامون "آسیب شناسی فرهنگ شهدا" عنوان نمودند:بررسی کم زندگانی شهدای انقلاب و تحلیل وصیتنامه شهدا ، عدم پرداخت به آسیب‌شناسی ادبیات جنگ،فقر فرهنگی ، نوپا بودن نثر داستانی جدید فارسی، کم کاری نویسندگان ایران، محدودیت تجربه‌های جنگی نویسندگان ما، کم‌تجربگی ادبی نویسندگان جنگ کشورمان، غلبه‌ی خاطره‌نگاری بر ادبیات دفاع مقدس، آسیب‌های برآمده از ضعف

در سیاست‌گذاری‌ها، کمبود نقدهای آسیب‌شناسانه، پژوهش‌ها و آثار نظری، آسیب‌شناسی ساختارشناسانه ادبیات پایداری، غلبه‌ی نگاه ایدئولوژیک بر معیارهای زیبایی‌شناختی، کلیشه‌گرایی و شعار زدگی در نثر و مضامین، عدم واقع‌گرایی و تحریف واقعیات، شخصیت‌پردازی کلیشه‌ای، تک‌ساحتی بودن آثار و فقر مضمونی، یک‌نواختی در سبک و دیگر عناصر داستانی، پرهیز از مضامین و نگاه انتقادی، عدم خلاقیت و گرت‌برداری از نویسندگان دیگر.

اکبر لو در تحقیق (۱۳۹۶) پیرامون "ارزش‌ها و ادبیات دفاع مقدس" به مواردی چون: دولتی بودن فرهنگ و هنر دفاع مقدس، عدم بیان حقایق جنگ در ادبیات دفاع مقدس، نگاه نفتی و سودجویانه به آثار ادبیات دفاع مقدس، تولید آثار ادبی در سطح نازل و ضعیف، نگاه محافظه‌کاری به نقد ادبیات دفاع مقدس، انحصاری شدن چاپ و نشر کتب ادبیات دفاع مقدس و یکنواختی و تکراری بودن محتوای ادبیات دفاع مقدس را بیان نمود.

زندگی‌نامه شهدای جامخانه

اولین جرعه نوش باده جام سرخ مکتب حسین

«زندگی‌نامه شهید محمد باقری»



شهیدی از تبار هابیل از مخلصان مکتب حسین بن علی (ع) و لَبیک‌گوی روح خدا، خمینی بت شکن . در سال ۱۳۴۰ در روستای پهناور جامخانه دیده به جهان گشود . محمد باقری دوران کودکی خود را روستای جامخانه گذراند و با شوقی فراوان به آموختن روانه اجتماع کوچک در مدرسه ابتدایی روستای مذکور شد . سپس با گرفتن مدرک قبولی ابتدایی خود به مدرسه راهنمایی نیما واقع در بخش هشت ساری و مدت ۳ سال در آن مدرسه مشغول تحصیل بوده و با گرفتن مدرک قبولی سیکل به دبیرستان سعدی روانه شد و پس از اخذ دیپلم در آزمون دانشگاه شهادت واقع در غرب ایران شیاکوه شرکت کرده که خوشبختانه قبول شد . جایی که اذسان خود را نمی‌بیند و همیشه خدا را می‌بیند در این دانشگاه مدت مدیدی در بین هم‌مردیفانش با سعی و کوششی که داشت به مبارزه با نفس خود شستن پرداخت و سرانجام در تاریخ ۶۰/۱۰/۱۰ در عملیات مطلع فجر با رمز یا مهدی ادرکنی در جبهه گیلان غرب (شیاکوه) به درجه رفیع شهادت نایل آمد .

دل‌نوشته‌ای از شهید که قبل از شهادت خود سروده اند :

صحرا صحرا صحرا سنگر سنگر سنگر
 جایگاه و مسکن دلیران خانه دلاوران و شیران
 درون سنگر ببین چه سان صفا کنیم
 برای اسلام جان خود فدا کنیم
 که ماند افتخار من به جا
 نگو پادگان ! بگو جمع جوانان
 که از جمعش شده باغ گلستان
 زبس در جا زدم با پای ایمان
 شکستم آن همه بتهای ایران
 تو هم بشنو حرفم برادر جان
 نگو زندان بگو عدل جاویدان



تصویر تشییع جنازه شهید محمد باقری

شهید قاسم بازاری

نام عملیات: و الفجر ۲ نام پدر: عابدین-منطقه عملیات: شلمچه-تاریخ تولد: ۱۳۴۲-تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۵/۱۱-محل تولد: ساری-روستای جامخانه

زندگی‌نامه

شهید در روستای جامخانه دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در کانون گرم خانواده پرورش یافت. در هفت سالگی به مدرسه ابتدایی محل رفت و تا کلاس سوم ابتدایی ادامه تحصیل داد به دلیل فقر مالی

خانواده از ادامه تحصیل باز ماند و به کارگری و بنائی پرداخت. با قشر فقیر و مستضعف روستایی که زندگی را به دور از آرایش می‌گذراندند علاقه خاصی داشتند قبل از رسیدن به سن تکلیف نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت. پس از گذراندن زندگی سخت و پر مشقت تشکیل خانواده داده و دارای دو فرزند به نام‌های حسن و حسین شد. شهید داوطلبانه به خدمت مقدس سربازی رفت. دوران آموزشی را در شهرستان بیرجند بود سپس طبق تقسیمات نیروی نظامی به لشکر ۷۷ خراسان می‌پیوندد و از همان جا عازم منطقه می‌شود. در عملیات والفجر ۲ داوطلبانه عازم منطقه جنگی شلمچه میشود و طبق آیه ۱۱ سوره توبه: خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند این وعده قطعی است و خدا وعهدیست که در (سه دفتر آسمانی) تورات، انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفا تر به عهد کیست؟ ای اهل ایمان شما به خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا با حقیقت سعادت و پیروزی بزرگی است. عمل نموده. شخصاً پیش از شهادت چند نفر از مزدوران عراقی را می‌کشد و سپس به دست سربازان بعثی به درجه رفیع شهادت نائل آمد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

شهید علی محمد بالویی

نام عملیات: خیبر نام پدر: گتی-منطقه عملیات: ابو غریب-تاریخ تولد: ۱۳۴۴-تاریخ شهادت: ۱۳۶۳/۲/۱۰- محل تولد: ساری-روستای جامخانه

زندگی‌نامه

شهید علی محمد بالویی در خانواده مومن و مذهبی از روستای جامخانه-ساری متولد شد. این شهید عزیز به علت اشتغال به کارهای ساختمانی و کشاورزی تنها تا سوم نهضت بیشتر، ادامه تحصیل نداد وی در سن ۱۹ سالگی ازدواج نمود و حاصل این یک فرزند پسر بنام حسین می‌باشد. جوانیش را در کمال پاکی و صداقت و مهربانی سپری نمود. از خصوصیات اخلاقی وی این بود که در مسجد و حسینیه حضور فعال داشت. فردی خوب، مظلوم، با نماز و با خدا بود و نسبت به پدر و مادر و همسایگان احترام خاصی قائل بود. نسبت به امام حسین (ع) و اهل بیتش ارادت خاصی داشت. دوران آموزشی را در نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (پادگان آموزشی بیرجند) سپری نمود تا اینکه پس از ۷ ماه از خدمت مقدس سربازی در عملیات خیبر و در منطقه کوشک به عنوان کمک تیر بارچی انجام وظیفه می‌نمود. در شب ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ بر اثر موج کاتیوشا از ناحیه فک و دهان و زبان مجروح می‌شود و توسط یکی از همسنگران به بیمارستان رازی اهواز منتقل و دوران مجروحیت او تا ۷ ماه بعد طول کشید. در این مدت در منزل و بیمارستان های تهران تحت درمان بود ضمناً شهید عزیز به گفته همسنگران فردی خوب و در مرا سم های مذهبی شرکت می‌نمود و نیز در مناطق ((شلمچه، کوشک، خرمشهر، پل نواروند رود، دار خوئین

ابو غریب)) مشغول انجام وظیفه بود و یکی از نیروهای لشکر ۷۷ خراسان به حساب می‌آمد و سر انجام بر اثر آن جراحی دعوت حق را لبیک گفت و به فیض شهادت نائل آمد. یادش گرامی باد.

شهید جعفر شمس‌ی

شهید بزرگوار و متدین و با ایمان جعفر شمس‌ی جامخانه (۱۳۴۴_۱۳۶۴) متولد روستای جامخانه شهرستان شهید پرور میاندو رود استان مازندران است. جعفر شمس‌ی در خانواده‌ای با ایمان و دوستدار اهل بیت علیه السلام متولد شد، مادرش رعنا شمس‌ی و پدرش رضا نام داشت. جعفر شمس‌ی در سایه محبت های پدر و مادر پاکدامن و مهربانش دوران کودکی را پشت سر گذاشت و بعد وارد مدرسه شد و به فراگیری تحصیل پرداخت، تحصیلات را در مقطع دبیرم با موفقیت پایان رسانید. شهید بزرگوار مجرد بود. جعفر شمس‌ی سرباز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و در لشکر ۲۵ کربلا به اسلام خدمت می‌کرد که در ۲۶/۱۱/۱۳۶۴ هجری شمس‌ی منطقه ی فاو شهید شیرین شهادت نوشید و در جوار رحمت الهی جای گرفت. شهید شمس‌ی در مورخه ۲۵/۱۲/۱۳۶۴ تشییع و در زادگاهش جامخانه دفن شد. سلام و درود خدا بر روح پاک و مطهرش.

زندگی نامه تخریبی جانباز شهید محمدعلی باقری

شهید محمدعلی باقری در سال ۱۳۴۷ در خانواده ای زحمتکش و کشاورز دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم ابوالقاسم و مادرش طاهره می باشد. پدرش که علاقه خاصی به ائمه اطهار داشت. نامش را محمد علی گذاشت. در آغاز کودکی جهت فراگیری قرآن مجید روانه مکتب خانه و آنگاه به مدرسه ابتدایی، راهنمایی توحید اسرم و جامخانه رفت، همیشه در حین تحصیل حرکاتی از خود نشان می داد که باعث تقویت روحی سایر همکلاسی هایش می شد.

برای مثال یکی از دوستانش می گفت که شهید همواره خود را بسیجی می نامید و با این نام افتخار می کرد و همیشه نهج البلاغه و یا دیگر کتابهای مذهبی را با خود حمل می کرد. یکی از اعضاء فعال پایگاه محل بود.

قبل از اینکه به جبهه برود در پایگاه چه شبیهایی را که در راه عزت و حیثیت و ناموس مردم به پاسبانی نپرداخته است. یاد آن خاطرات شبانه بخیر. در سن ۱۳ سالگی جهت آموختن فنون نظامی به پادگان آموزشی مرزن آباد چالوس رفت و سپس بسوی میعادگاه عشق و شهادت شتافت. در اکثر مناطق جنگی از جمله کردستان، اهواز، هفت تپه، دهلران، هورالهویزه، فاو، شلمچه، مریوان و دیگر مناطق در صحنه مبارزه شرکت داشت. در چند عملیات از جمله والفجر ۸ کربلای ۴ و کربلای ۵ حضور یافت.

در عملیات والفجر ۸ چند روز قبل از شروع عملیات برای باز کردن معبرهای مین دشمن روانه می شود که در حین ماموریت پایش به مین اصابت کرد و ۲ انگشت پایش را قطع می کند.

مدتی در بیمارستان بوعلی سینا ساری تحت مراقبت قرار گرفت.

ایشان به خاطر رشادت و دلاوری که در عملیات از خود نشان داده بودند از طرف امام خمینی ره هدیه ای به عنوان جایزه دریافت نمودند. شهید بزرگوار در عملیات کربلای ۴ برای شناسایی خاک دشمن مأموریت می یابد بر اثر ترکش به پای راست قسمت ران نیاز به عمل جراحی می یابد، چون امکانات بیمارستان صحرائی نبود، عمل انجام نشد و ترکش همچنان در پای شهید قرار داشت با اینکه پایش جراحت داشت از مبارزه دست نکشید تا اینکه در کربلای ۵ شلمچه در عملیات کربلای ۵ داوطلب برای روی مین رفتن گشت. هر چند با مخالفت فرمانده مواجهه می گردد، اما با اصرار زیاد موافقت فرمانده را جلب می کند. او به همراه ۱۲ تن از تخریبچی های هم رزمش مقدار ۲۱ کیلو مواد منفجره را به کمر می بندند که قبل از رسیدن به پل توسط نیروهای دشمن شناسایی می شوند. این عمل باعث منفجر شدن مواد منفجره ای که به کمر بسته بوده اند می شود. تا اینکه خداوند دعاهای او را اجابت گردانید و بعد از ۵۴ ماه رزم خستگی ناپذیر به دیار دوست ره یافت. پیکر مطهر او نه تنها ۲ پای سوخته ای بیش نبود بعد از ۴۰ روز به زادگاهش برگشت، و در مزار شهدای جامخانه به خاک سپرده شد.

زندگی نامه طلبه شهید باقر عبادی

شهید باقر عبادی در سال ۱۳۴۷ در یک خانواده مذهبی در روستای جامخانه متولد شد. در دوران تحصیل در مدرسه ابتدایی دولتی ذوق و استعداد خاصی در خطابه و سخنوری در سرش موج می زد و نیز در زمینه درس نیز از بیشتر دوستان خود سرفرازتر و پیشگام تر بود در کنار درس و تحصیل استعداد و علاقه مخصوصی هم به هنر بازیگری داشت و در این زمینه زبانزد عام و خاص بود. ایشان پس از اتمام دوره ابتدائی بخاطر اشتیاق خود و اصرار اطرافیان به حوزه علمیه ساری رفت و مشغول فراگیری علوم و معارف دینی شد از همان ابتدای کار مهارت ویژه ای در ذکر مصائب اهل بیت عصمت و طهارت داشت.

طلبه شهید ضمن آنکه در درس پیشتاز حوزه بود در همان دوران به جبهه های حق علیه باطل اعزام گردید و در چند عملیات حضور یافت. پس از بازگشت از جبهه و حضور مجدد در حوزه پیشرفتهای او موجب حسادت همکلاسیهای او می شد. مهم تر از همه پافشاری وی در برابر یکی از اساتید در حمایت از امام راحل سبب گشت وی را به بهانه ای از حوزه علمیه ساری اخراج نمودند. شهید باقر عبادی از این حرکت دل سرد نشد. بلکه استوارتر از قبل در حوزه علمیه مشهد در نزد استادان والاتر کسب حکمت نمود. با وجودی که در طلبگی سابقه چندانی نداشت. کتاب می نوشت و سخنرانی عالمانه می نمود. «ایشان سرانجام در کنار هم قطاران خود در جبهه در عملیاتی به شهادت رسید».

طلبه شهید محمد خائفی

یادی از روزهای جهاد و شهادت

روایت شهید ۱۳ ساله‌ای که محل دفنش را قبل از شهادت مشخص کرده بود

این صدای کسی است که جنازه‌اش هم‌اکنون مقابل شما و در روی زمین است، از شما تشکر می‌کنم مرا در این هوای گرم از نکا تا مزار شهدا تشییع کردید، من محمد ۱۳ ساله‌ام که شناسنامه‌ام را دستکاری کرده و به جبهه رفتم.

طلبه شهید در پائیز ۱۳۵۱ در خانواده مذهبی چشم به جهان گشود، خداوند این فرزند را به همراه خیلی از برکات به این خانواده عطا کرد. سرنوشت این کودک چنان بود که در نهایت می‌بایست به سوی معبودش برود و هر کس ذره‌ای از کودکی این شهید بزرگوار را به یاد دارد می‌داند که آن همه حوادث سهمگین که آن شهید بزرگ از آنها جان سالم به دربرد همه آنها مصلحت خداوند بود تا شهید زنده بماند و با اینکه سن آن شهید ۱۴ سال بیش نبود و به قول همسنگران دوران بلوغ را در جبهه گذراند و همان وقت به شهادت رسید. در ۱۲ سالگی به حوزه نکا نزد حاج آقا گلوردی و آنگاه به نزد حجه الاسلام افضلی در گرگان از شناسنامه برادر بزرگش جهت رفتن به جبهه استفاده کند که برادرش متوجه شد و مانع او شد بالاخره در ۱۵ سالگی به آموزش سپاه رفت و برادران سپاه و بنیاد شهید در جریان هستند که سال ۱۳۶۶ محمد شناسنامه خود را دست زد و تبدیل به ۱۳۴۹ کرد و بالاخره به جبهه اعزام شد و در سال ۶۷ یعنی در تاریخ ۶۷/۲/۲۸ در واحد تخریب شلمچه با ترکش خمپاره به شهادت رسید از خصوصیات اخلاقی آن شهید خواندن نماز اول وقت و علاقه زیاد خواند قرآن بود در سال ۶۵ هنگامی که می‌خواست با شناسنامه برادرش به جبهه برود یک نوار یک نوار سخنرانی پر نموده و در آن مدعی شد که از آینده خود باخبر است و مثل صفحه فیلمی در آن می‌بیند که به شهادت می‌رسد و مردم در هوای گرم او را تشییع می‌کنند و او خودش از آنها تشکر می‌کند و حتی برای خود روضه می‌خواند و این نوار مانند یک معجزه در دست این خانواده می‌باشد تا همانگونه که خودش گفته که! «این نوار را پر نمودم تا یادگار پس از شما دستم بماند تا شاید راهنمای باشد گمراهان را و نویدی باشد برای افراد با ایمان».

زندگی نامه شهید حسن جمشیدی

شهید حسن جمشیدی در سال ۱۳۴۸ در خانواده مذهبی و روحانی در روستای جامخانه متولد شد پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی در حوزه های مصطفی خان ساری و حوزه رستم کلام مشغول تحصیل بوده در سال ۶۳ (۱۵ سالگی) به جبهه اعزام شد پس از آن بارهای متوالی (در سال های ۶۴، ۶۵، ۶۶) عازم میدان رزم شد. در عملیات کربلای ۵ و والفجر ۱۰ و قدس ۱ و قدس ۳ حضور یافت در همین رابطه چند بار مجروح گردید. بسیجی شهید آخرین بار در خرداد سال ۶۷ عازم جبهه شد. و مورخ

۶۷/۴/۴ در تک عراق به جزیره مجنون در شرایطی که کاملاً در محاصره دشمن قرار داشته تا آخرین لحظه همراه همزمانش مقاومت نمود و در نهایت به درجه رفیع شهادت نائل آمد. پیکر پاک و مطهر این شهید پس از نزدیک به ۷ سال در منطقه جزیره مجنون کشف شد.

زندگینامه شهید سهراب شمس

شهید سهراب شمس در سال ۱۳۴۲ در روستای جامخانه متولد شد در سن ۷ سالگی روانه مدرسه ابتدایی پایین شد. اما به علت مشکلات زندگی تا کلاس پنجم بیشتر ادامه تحصیل نداد و ادامه زندگیش با کار و کارگری سپری میشد و همیشه در کارهای کشاورزی کمک حال پدرش بود و نیز در بعضی از حرفه ها مثل جوشکاری مهارت به دست آورد مدتی را هم بعنوان نیروی بسیجی در جبهه ها میگذراند و در سن ۱۹ سالگی جهت انجام خدمت سربازی به پادگان آموزشی اعزام میشود. دوران آموزشی ایشان در جبهه های جنوب و غرب کشور با سپری کردن عمر عزیزشان در اکثر عملیات بود پس از بازگشت از جبهه ها بی نبرد می شد. در ادامه بعد از مراجعت از جبهه در نیروگاه شهید سلیمی نکاء به عنوان نیروی قراردادی مشغول به کار گشت که بر اثر حملات هوایی رژیم عراق به نیروگاه مذکور به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

شهید سبز علی شمس

«زندگینامه»

شهیدان شمع محفل دوستند که می سوزند و نور افشانند. خورشید جهان تاب عشقند که به آفاق و انفس می تابند. شهید سبز علی شمس در یک خانواده مذهبی در جامخانه دیده به جهان گشود در هفت سالگی در مغازه ای به کار مشغول شد. در جوانی به همراه دیگر بسیجیان در سالن پایگاه بوده و شبهای زیادی را به نهبانی از حریم عصمت روستا پرداخت در ۱۹ سالگی به خدمت مقدس سربازی رفت تا اینکه در منطقه عملیاتی کوشک بر اثر ترکش خمپاره به شهادت رسید.

زندگی نامه شهید علی اکبر بالوئی

شهید عزیز در سال ۴۴ در جامخانه مولد شد. او دوران دبیرستان را در مدرسه ۲۲ بهمن سورک گذراند. در سن ۱۸ سالگی به سربازی اعزام شد. (ایشان قبل از سربازی چندبار به عنوان بسیجی دوطلبانه به جبهه های حق علیه ظلمت اعزام شد.) از جمله در ایلام جبهه مهران و در عملیات والفجر ۳ که بر اثر اصابت ترکش خمپاره دشمن مجروح شد او فردی پاک بود و برای یاری اسلام و قران و مملکت عاشقانه قدم برداشت. شهید بالوئی در دوران آموزشی در مرکز آموزشی شهید یونسی قائمشهر بعنوان مربی آموزش انتخاب شد. در سال ۶۵ به منطقه مریوان اعزام گشت تا در واحد تخریب سپاه مریوان به کار پردازد. در انجام ماموریت ها دوطلبانه و بدون واهمه حضور داشت و گاهی در دل خاک عراق نفوذ می کرد. سرانجام شهید والا مقام هزار قله مریوان بر اثر انفجار مین ضد نفرات تله ای (ام ۱۶) از نوع ایک از ناحیه پیشانی سروسینه و بازوهای دستش مورد اصابت ترکش

قرار می می گیرد و به فیض شهادت نائل میگردد. پیکر مطهر این شهید بر اثر اشتباه به تهران، سنندج و ارومیه و آنگاه به گلخانه شهدای باختران انتقال یافت که با پیگیری خانواده محترم شهید و دوستان همسنگر شناسایی و به زادگاهش واقع در جامخانه به خاک سپرده می گردد. پیکر مطهر شهید در تاریخ ۶۶/۱۱/۹ تشییع شده در حالیکه حدود ده روز از شهادت او می گذشت. وصیت نامه پروردگارا به سوی آمرزش تو کوچ کرده ام و به سوی عفو تو آهنگ نموده ام و به گذشت تو مشتاق شده ام و به بخشایش تو اعتماد کرده ام در صورتی که چیزی که بوسیله آن سزاوار تو گردم در کردارم نیست و جز احسان تو سرمایه ی امید ندارم. خدایا تنهاروزه امیدم در میان انبوه گناهان تو هستی که ستار العیوبی خدایا به فضل و کرمت مرا ببخش و بیامرز و در روز محشر مرا به عدالت محاکمه نفرما که اعمال سیاهم طاقت عذاب هایت را ندارد.

خدایا می خواهم پرواز کنم اما سنگینی کوله بار معصیت بالهائم را شکسته و مرا از اوج یافتن بسویت باز می دارد پس ای خدا ترا به پیامبران و امامان معصومت تو را به زمزمه های علی (ع) در نیمه های شب تو را به مخلصین و اولیای پاکت قسمت می دهم که از گناهانم درگذری و در روز قیامت پاهایم را از پل صراط نلغزانی و امکان اوج گرفتن بسویت را در من بوجود آوری تا بتوانم از زندان مادیت دنیا خلاصی یابم و به قله رفیع انسانی بروم....

زندگی نامه شهید بزرگوار علی بابائی

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۷/۷/۶ بم

نام شهید: علی بابائی نام پدر: اصغر بابائی

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

شهید عزیز علی بابائی در تاریخ ۱۳۴۷ در رو ستای جامخانه از توابع شهر ستان ساری و در یک خانواده مسلمان و مومن به دنیا آمد. وی در سن هفت سالگی برای کسب علم و دانش روانه مدرسه شد و تا دوره راهنمایی را در مدرسه جامخانه گذراند تا اینکه برای خدمت به این نظام اسلامی و مملکت به خدمت مقدس سربازی شتافت. از خصوصیات این شهید این بود که شخصی خوب بوده و احترام خاصی برای برادران و خواهران خود قائل بود. او پدرش را قبل از شهادت از دست داد یکی از اقوام شهید عزیز در رابطه با خدمات شهداء و کینه دشمنان از اسلام و این مملکت اظهار می دارد که مملکت برای ما ست و اینها هم (شهدا) برای اسلام و قران رفتند و شهید شدند و آمریکا و دیگر دشمنان ما هیچ غلطی نمی توانند بکنند. شهداء زنده اند و ما مرده. این شهید مدتی از خدمتش را در منطقه عملیاتی ایلام گذراند و به نگهبانی از حریم این کشور پرداخت. سرانجام شهید بابائی در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۶ در منطقه شرق کشور که به استان کرمان اعزام شده بود، در مصاف با قاچاقچیان مواد مخدر بر اثر کمین سوداگران مرگ و بر اثر شلیک گلوله دشمن در منطقه بم به درجه رفیع شهادت نائل آمد. یاد و راهش گرمی و مستدام باد.

شهیدان جمله کوچیدند و رفتند

چو دریایی خروشیدند و رفتند

شبی خفته میان حجله خون

ردای عشق پوشیدند و رفتند

شهید شعبان باقری

شلمچه ، کربلای ۵ (۱۳۶۵/۱۰/۲۲)

سخن از شهید عزیز شعبان باقری است او که راه شهادت را پیمود و به دیار قرب الله رفت این عزیز والا مقام در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد . او با کشاورزی و سخت کوشی الفت داشت و در این راه از درس و مدرسه سرباز زد و به همراه خانواده در مسیر کشاورزی و دامپروری همت گمارد . در ۱۹ سالگی جزء سربازان امام زمان در آمد . دوران آموزشی را در مرزن آباد چالوس گذراند و آنگاه به هفت تپه و از آن مکان به منطقه عملیاتی شلمچه اعزام شد . ایشان به همراه دیگر همزمانش مسئول جمع آوری اجساد شهدا و انتقال زخمی ها به آمبولانس بود . سرانجام در عملیات کربلای ۵ در همان منطقه به فیض عظمای شهادت رسید . پیکر مقدس او که (استخوان طوطیا شده ای پیش نبود) بعد از هفت سال غربت در مزار شهداء جامخانه به خاک سپرده شد .

شهید شعبان باقری از زبان برادر گرامی اش شهید زرگوار معتقد به دین مبین اسلام بود . و مرید حضرت امام (ره) و خاندان نبوت و اهل بیت بود و نماز را سر ساعت می خواند و در کار نماز کاهلی نمی کرد در کارهای امور صحرا بعد از برادر بزرگم به پدرم خیلی کمک می کرد ایشان در کشاورزی و رانندگی و دامداری بینهایت به پدرم یاری می نمود ایشان در هر کجا که بود صحبت از حرف امام می شده گوش می کرد و عشق می ورزید می گفت بنازم قدرت این پیرمرد را که با عصای چوبی دست این ژاندارمها را بسته . وقتی که جنگ ایران و عراق شروع شد . این شهدا را می دید می نشست و چشم خود را می گرفت و یک دست روی سینه می گذاشت و زار زار گریه می کرد .

شهید عیسی زحمتکش

شهید بزرگوار در یک خانواده مسلمان و متدین در سال ۱۳۳۶ در روستای جامخانه ساری قدم به عرصه وجود گذاشت . دوران کودکی را در دامن گرم خانواده بزرگوارش پرورش یافت . در هفت سالگی به مدرسه رفت و تا کلاس پنجم ابتدایی ادامه تحصیل داد . در ۲۰ سالگی ازدواج نمود که حاصل این ازدواج ۲ فرزند از ایشان به یادگار ماند . از خصوصیات اخلاقی شهید فردی با نماز و با ایمان بود ، مهربان و مردم دوست ، به انقلاب و امام ایمان داشت و علاقه خاصی به خانواده اش داشت . اکثر اوقات به منزل میرفت . از رشادتهای شهید بزرگوار می توان موارد زیر را نام برد :

مدت ۱۳ ماه در کردستان ۳ ماه در گیلان غرب ، درگیریهای گنبد و واقعه جنگل آمل در سال ۶۰ ، و دیگر مناطق جنگی مشغول خدمت به اسلام و انقلاب بود . و چندین بار داوطلبانه عازم مناطق جنگی شد .

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۱ در تک عراق، در منطقه عملیاتی زبیدات ابوقریب داخل خاک عراق به معبودش پیوست و شربت شهادت را نوشید. پیکر پاکش همچنان مفقود الاثر است. و دیگر بازنگشت. یاد و راهش گرمی و مستدام باد.

زندگینامه شهید قدرت الله باقری

شهید باقری از سال ۱۳۲۷ در خانواده ای متدین و آرمانی متولد شد. جهت فراگیری علم و دانش به مکتب خانه محل رفت اما به علت مشکلات خانوادگی و فقدان مادر محترمه اش از تحصیل باز ماند و جهت امرار معاش به تهران رفت و در حدود سه سال آنجا بود بعد از مراجعت از ساری در یکی از تعمیرگاه های این شهر به کار مشغول شد. با شروع نهضت اسلامی در پخش اعلامیه و نوار حضرت امام در محل کار شرکت فعال داشت. و در اکثر راه پیمایی ها حضور می یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه در آمد. ایشان در درگیریهای کردستان و گنبد نقش فعالی را ایفا نمود.

دراکثر راهپیمایی ها حضور می یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سپاه در آمد. ایشان در درگیریهای کردستان و گنبد نقش فعالی داشت. در اکثر عملیاتها از جمله عملیات حصر آبادان والفجر ۱ عملیات بدر کربلای ۵ شرکت می یافت سرانجام نیز در منطقه عملیاتی شلمچه در کر بلائی ۵ به فیض عظمای شهادت نایل آمد.

وصیت نامه شهید قدرت الله باقری جامخانه

الذین آمنوا هاجرون و یجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله فوقهون عظیم . ای کسانی که ایمان آوردید هجرت و جهاد در راه خداوند کنید با مالتان و جانتان بدانید که شما بزرگترین درجه را نزد خداوند دارید . اعوذبالله من الشیطان الرجیم . پناه می برم به خدای بزرگ پناه دهنده تمام می برم به خدای بزرگ پناه دهنده تمام انس و جان . خدایا پناهمان ده جز تو کسی را نداریم . ای خالق یکتا تو چگونه مبارزه کردن با ظالم و ظلم را به همه نشان داده و به همه درس شهادت طلبی و ایثارگری را آموختی .

زیرا انسان از این راه می تواند به رستگاری و هدایت کامل برسد و هدایت کامل برسد و سلام بر مهدی منتقم و مهدی انتقام و مهدی گیرنده مظلوم از ظالم سلام بر تو ای رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران مرجع تقلید مسلمین جهان حضرت آیت الله امام خمینی امام عزیز دوباره جان به اسلام عزیز دادی و اسلام عزیز دوباره جان به اسلام عزیز دادی و دست ابر جنایتکاران را از کشور اسلامی قطع کردی و درس تلخ به آنها دادی که در عمر چند ساله استعماری خود در کشور های منطقه گرفته بودند . السلام علیک ای شهید کربلا . سلام و درود فراوان بر شهدای تاریخ اسلام یعنی از صدر اسلام . از اولین شهید اسلام تا حال شهدای عزیز گرانقدر بدانید که مردم مسلمان و مبارز و قهرمان و آب دیده و مقاوم سلام و درود بر خانواده های معظم شهدا که به گفته امام عزیز چشم و

چراغ ملت هستید. مسئولین محترم کشور آرزوی قلبی تمام شهدا این است که پاسدار خون شهدا باشید. نکنند خدای ناکرده میراث خوار خون شهدا شوید. مواظب خود و اعمال رفتار خود باشید و فکر کنید که شهدا برای چه رفتند و دست از همه چیز کشیدند. هدف آنها چه بوده. واز تمام مردم عزیز کشورم و این محل می خواهم حامی انقلاب باشید و راه شهدا را ادامه دهید و راه شهیدان تداوم راه انقلاب است... بار الهی ما را از لغزش نجات بده و ما را ما را از سربازان واقعی خود قرار بده. باز هم به مسئولین محترم توصیه می کنم که از تفرقه دوری کنید. شما مسئولین باید سنبل وحدت باشید. متأسفانه بعضی مواقع مشاهده می شود سنبل تفرقه می شوید نکنند این کارها مردم را گمراه کند بگذاریم مردم مسیری را که انتخاب کرده اند ادامه بدهند. خدایا کسانی را که باعث تفرقه می شوند و به ضرر انقلاب هستند نابودشان بگردان. خدایا در اول قبر علی (ع) و امام زمان (عج) را به فریادمان برسان چون خیلی معصیت کردیم گناهکاریم. خدایا کمک مان کن که ادامه دهنده راه شهیدان باشیم. خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار از عمر بکاه و بر عمر رهبر افزای. امام حسین (ع) فرمودند: سخی ترین مردم کسی است که ببخشد به کسی که در او امید پاداش و تلافی ندارد.

شهید عقیل عبادی

تاریخ تولد: ۱۳۳۴ تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۱/۱۱ محل شهادت: شلمچه (کربلای ۵)
شهید عزیز عقیل عبادی در یک خانواده با ایمان در روستای جامخانه از توابع ساری دیده به جهان گشود. ایشان ۴ ساله بودند که پدر بزرگوارشان را از دست دادند. تا کلاس پنجم به مدرسه رفتند آنگاه به شغل بنایی پرداخت. او برای ادامه زندگی در سال ۵۷ به نکا کوچ نمود حاصل ازدواجش سه فرزند بود. شهید بزرگوار چند بار داوطلبانه به صورت بسیجی به جبهه های حق علیه باطل رهسپار شد. تا اینکه سرانجام در عملیات کربلایی ۵ در منطقه شلمچه به آرزوی خود یعنی شهادت رسید. یاد و راهش گرمی و مستدام باد.

در دایره بلا، بلی باید گفت لبیک به نعره جلی باید گفت

شهید حسین بالوئی

نام پدر: علی اکبر بالوئی تاریخ تولد: ۱۳۴۴ تاریخ شهادت: ۱۳۶۴/۴/۲۱ محل شهادت: نهر عنبر شرهانی شهیدان شمع محفل دوستند که می سوزند و نور می افشانند. خورشید جهان تاب عشقند که به افاق و انفس می تابند. شهید در یک خانواده کشاورز زحمتکش در روستای جام خانه دیده به جهان گشود. تا ۱۰ سالگی در مدرسه تحصیل کرد و چون فشار مالی خانواده اش را دید علیرغم مخالفت خانواده اش، او در کارهای کشاورزی و چوپانی مشغول شد. در ۱۶ سالگی ازدواج نمود. در ۱۸ سالگی به خدمت مقدس سربازی رفت. ۳ ماه از خدمتش گذشته بود که خداوند به او فرزند دختری اهداء نمود. که مانند مولایش حسین او را رقیه نام نهاد. شهید بزرگوار چند ماه از خدمتش می گذرد که سر انجام در عملیات والفجر ۴

منطقه شرفانی به درجه رفیع شهادت نائل می شود در حالی که طفل چند ماهه اش همچنان تنها و بی مهر و نوازش پدری بود.

زندگی نامه شهید رجبعلی عبدا... آبادی

تاریخ تولد: ۱۳۴۱ نام پدر: احمد علی تاریخ و محل شهادت ۶۶/۷/۱۲ نیروگاه شهید سلیمی نکا شهید عزیز در سال ۱۳۴۱ در خانواده ای مذهبی و مسلمان در روستای جامخانه متولد شد دوران کودکی را سپری کرد و سپس برای کسب علم و دانش روانه مدرسه شد و تا پنجم ابتدائی ادامه تحصیل داد. به علت مشکلات زندگی و در گذشت مادر محترمش برای امرار و معاش در یک تعمیرگاه مکانیکی در نکا مشغول به کار شد به خاطر سکنه پدر بزرگوارش و حضور برادرش رفتن جبهه برایش میسر نشد. از خصوصیات اخلاقی شهید این بود که در تمامی مراسمهای مساجد و تشییع جنازه شهداء شرکت می کرد عضو پایگاه بسیج نیروگاه شهید سلیمی نیروگاه بود و با بچه های پایگاه همکاری داشت. نحوه شهادت:

وی با توجه به بمباران اول نیروگاه مذکور که در آن حضور داشت به دلیل شرایط جنگی شدن نیروگاه عشق و علاقه زیادی به محل کار در نیروگاه فوق پیدا کرده بود و در مرحله اول بمباران هوایی دشمن یکی از راکت‌های دشمن به انبار کپسول گاز اصابت کرد و کپسولهای گاز هوا منفجر شدند و با منفجر شدن کپسولها به طور همزمان تمام بدنش آتش گرفت و به درجه رفیع شهادت نایل آمد. یادش گرامی و راهش پایدار باد

آه جبهه کو برادر های من
ذوق و شوق نینوا کرده دلم
چون هوای جبهه ها کرده دلم
بود سنگر بهترین ماوای من
آه جبهه کو برادرهای من
سنگر خوب و قشنگی داشتیم
روی دوش خود تفنگی داشتیم
جنگ ما را لایق خود کرده بود.

شهید اکبر باقری

فرزند بابا باقری متولد سال ۱۳۴۷ در مورد شهادت و ارزشهای انقلاب اسلامی فرمودند: شهادت میراثی است که از موالیان بر ما رسیده است با درود و سلام بیکران بر حضرت امام حسین (ع). با سلام و درود فراوان بر مهدی موعود و منجی عالم بشریت و نائب بر حقش خمینی ظلم شکن و با سلام به شهیدان به خون خفته ایران زمین درود بیکران به رزمندگان جان برکف که با هوشیاری، بی باکی و

بیداری در دفاع از میهن اسلامی این سرزمین فرشتگان به پا سداری مشغولند با سلام فراوان بر بیدار دلان شب شکن و دریا دلان تاریخ همچون پیر جماران ، ابوذر زمان حبیب ابن مظاهر ، عمار و یاسر ، ابراهیم زمان ، این رهبر دین پیرو قرآن یار دلیران پدر یتیمان حامی مستضعفان حضرت امام خمینی .

این جانب اکبر باقری فرزند بابا ساکن جامخانه متولد ۱۳۴۷ و وصیتم را چنین می گویم اولاً پدرم که بزرگ خانواده است وصی من باشد ثانیاً در نبود پدرم پسر ام اصغر نائب وصی می باشد و همسر و دخترم فاطمه ناظرانم می باشند اگر چنانچه پس از شهادت مفقود شدم پدر حیات داشتند سرپرست خانواده ام باشند و اگر حیات نداشتند برادرانم می توانند سر پرستی خانواده ام را به عهده بگیرند محل دفنم کنار شهدا جنازه ام را بر دست برده تا بر همه مظلومان ثابت شود از برادران روحانی تقاضا دارم قبل از دفنم دعای ندبه بخوانند یا چند تا یا صاحب الزمان بگویند جنازه ام این ناله هایشان را بشنود در ضمن آنچنان فریاد مرگ بر آمریکا صدا سر دهند تا صدایشان به گوش این جنایتکاران تاریخ برسد و لرزه بر اندامشان بیفتد از اولیای عزیزم می خواهم اولاً اگر اشتباهی از من سر زده مرا عفو کنند ثانیاً برایم گریه زاری نکنند چون گریه بر حسین باید کرد چون غریب و مظلوم بود. از مادرم می خواهم عوض گریه و زاری آستین بالا زده و به پذیرایی فرشتگان و ملائک بپردازد از خواهرانم تقاضا دارم همچون زینب کبری پر قدرت و استوار باشند تا منافقان این شب پره ها به شما دلداری ندهند بلکه شما زود تر و تندتر به همه تبریک بگویند و خندان باشید خواهرانم نماز را فراموش نکنید صدقه بسیار بدهید مساجد را پر کنید در دعای کمیل و توسل شرکت جوید از برادران تقاضا دارم در تشیع جنازه ام پا برهنه باشند تا بر روی فرشتگان لگد نکنند و لباس سیاه نپوشید چون لباس سیاه از آن فرعون است در ضمن باید بگویم از فشار قبر بسیار می ترسم خواهش می کنم مقداری تربت درون قبرم بگذارید تقاضای من از هم روستایی ها و اقوام و فامیلان این است که اولاً اگر از من رفتار ناشایستی سر زده مرا عفو کنند جبهه و جنگ را فراموش نکنند رزمندگان را دعا کنند امام را تنها نگذارند پشتیبان ولایت فقیه باشند سنگر های مسجد و جبهه را خالی نگذارند پدران ، مادران ، خواهران، برادران به خدا سوگند به قطره قطره خون شهیدان مدیونیم اگر خیانتی بر اسلام و قرآن و جامعه روحانیت داشته باشیم از برادر بزرگم تقاضا دارم فرزندانم را همچون فرزند خود تربیت کند و تحویل جامعه بدهند برادران من وظیفه شما ها را بسیار سنگین کردم نمی دانم بهر حال باید تحمل داشته باشید . همچون شیر مردان تاریخ ، بدانیم گریه نکنید . که گریه کردن کار مرد نیست و برای شهید گریه ندارد چون شهدا به سوی معبودشان می شتابند و دست از همه چیز و همه کس می شویند و تنها به خدایشان متکی می شوند به یگانه منجی عالم بشریت سوگند هر کس در جبهه ها حضور می یابد خود می داند و هر کس تا به حال جبهه نرفته برود تا حقیقت را به چشمانش ببیند آن وقت می داند که چه شور و غوغایی برای حسین بر پاست . واقعاً حسین کیست آن امامی که در ۱۴۰۰ و اندی سال است که با مظلومیتش ثابت کرده که اسلام و قرآن بالاترین دین و ماندنی خواهد بود و قرآن تنها کتابی است که

راهنما و راهگشای مسلمانان است. پس ای مسلمانان قرآن را بخوانید و به آن عمل کنید و نگذارید که این کتاب عظیم به دست کفار بیفتد تا خدای ناکرده بر روی نیزه ها برود و از بین برود. چند کلمه با همسرم، همسر عزیزم اگر چه در طول مدتی که با هم زندگی میکردیم همسر خوبی برای شما نبودم مرا ببخشید. امیدوارم انشاءالله در تمام مشکلات مقاوم باشی و در نگهداری فرزندانم سعی و کوشش داشته باشی آنان را به راهی تربیت نمایم که رضای خداوند در آن باشد. در ضمن این وصیت نامه را به برادرم سپرده ام و هیچکس جز برادرم درویشعلی باقری حق ندارد آنرا باز کند دیگر عرضی ندارم خداوند پشت و پناه رزمندگان به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی و آزادی و اسراء و شفای عاجل برای معلولین جنگ تحمیلی. خداوند بار الها ظهور حضرت مهدی موعود را نزدیک و نزدیکتر بگردان. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار. جنگ جنگ تا پیروزی. دخترم، پسرم خداحافظ خدا نگهدارتان.

زندگی نامه شهید حسین جی افزام

شهید عزیز حسین جی افزام فرزند داوود در سال ۴۷ در روستای شهید پرور جامخانه چشم به جهان گشود که در زمینه اخلاق همانند ورزش سرآمد بود و سعی در ایجاد دوستی و محبت ما بین ورزشکاران داشت در سال ۶۷ بود که جهت انجام خدمت مقدس سربازی در لشکر ۲۵ کربلا مشغول انجام وظیفه شد در تاریخ ۶۷/۱/۹ زمانی استعمارگران شرق و غرب (مثل جنگ احزاب در صدر اسلام) با هم متحد شده بودند که به فآو حمله برند شهید جی افزام در این حمله ناجوانمردانه به درجه اعلاء شهادت می‌رسد البته شهادت ایشان واقعاً دردناک و ناراحت کننده بود بدن مطهر او چند روز در میان آماج بمب های شیمیایی و در کنار بیمارستانها بوده است و با تلاش برادر سلیمان جی افزام و دیگر برادران سپاه جسد سوخته وی از بیمارستانهای اهواز شناسایی شد لازم به ذکر است وصیت نامه این شهید عزیز بر اثر حمله دشمن در فآو از بین رفته است.

زندگی نامه شهید سید مهدی کمالی

محل شهادت: نفت شهر

شهید بزرگوار در یک خانواده مذهبی و مومن از روستای جامخانه ساری پا به عرصه گیتی نهاد و در سال ۱۳۵۲ برای فراگیری تحصیل روانه مدرسه شد. دوران ابتدایی را در زادگاه خود گذراند و جهت ادامه تحصیل به مدرسه فردوسی نکا رفت و تا کلاس اول راهنمایی ادامه تحصیل داد. می در کنار تحصیل به کار و فعالیت هم پرداخت. به دلیل مشکلات زندگی شبانه به درس می پرداخت، تا اینکه بر اثر مشکلات امکان ادامه تحصیل برایش میسر نشده و در سال ۱۳۶۳ یک مغازه که فرد استاد کاری هم بوده در سه راه اسلام آباد جاده (نکا - ساری) باز کرد تا برای پیشبرد زندگی موثر و مفید واقع شود. شهید عزیز دارای اخلاق حسنه و کردار و رفتار خوبی بود. همسنگران و خانواده محترم شهید از خصوصیات نیکو و اخلاقی شهید به شایستگی یاد می کنند.

او شخصی خوب، مودب و با خدا بود. در منطقه جنگی به قول همسنگرش فردی نترس و شجاع و دارای روحیه عالی بود و به نماز در اول وقت مفید بود او دلسوز بود و مهربان. او در زمان حیات با برکتش یکی از بازوران پرتوان پدرش بود و هیچگاه دست از کار و تلاش بر نمی داشت. دلبسته به دنیا نبود. چهره ای گشاد و توام با تبسم بر لب داشت و گفتارش را با خنده ابراز می کرد. شهید بزرگوار سفارش به پدر می کند و آن این است که از نظر بنده مازاد بر درآمد هر چیزی که در توان است به سربازان انفاق نمایید، به خاطر اینکه سربازان از خانواده های کم درآمد و بی بضاعت و از خانواده های عیالوار دور افتاده نقاط مملکت هستند که در ارتش و سپاه و جاهای دیگر خدمت می کنند و هیچ گونه درآمدی نیست که نیازشان را برآورده نمایند. آن چیزی که بنده تشخیص می دهم کمک به سربازان کمک به اسلام و مسلمین است، به عنوان مثال بعضی از سربازان هنگام خدمت مقدس سربازی دارای زن و بچه و پدر و مادر تحت تکفل هستند. اگر من سه قرص نان داشتم دو تا قرص نان را به سربازان حتماً خواهم داد که واقعاً نیازمندند.

اگر شما و وضعیت سربازان را بدانید یا ببینید، دنیا دیگر نظرتان نمی آید. همرمز شهید می گوید: یک شب برای دیده بانی رفتیم و با منطقه آشنا نبودیم. به جلو حرکت کردیم، شناسایی کردیم، صحنه ای برای ما پیش آمد. سرباز شهیدی مدتی بود که به شهادت رسیده بود. شهید عزیز را در پتویی پیچاندیم و آوردیم عقب به انفاق شهید کمالی.

شهید کمالی در سال ۱۳۶۴ برای خدمت به اسلام و مسلمین روانه خدمت مقدس سربازی شد. دوران آموزشی را به چهل دختر شاهرود (امام شهر) و نیز تهران گذراند. از خصوصیات او عشق و علاقه اش به امام عزیز بود. از زبان پدرش و از قول شهید که به پدرش سفارش کرده بود این بود که می گفت: اگر زمانه برای شما سخت شد از امام ناراحت نباشید و ناسزا نگویید چون جنگ بر ما تحمیل شد. تا فرزند فاطمه را پیروز نکردیم دست از جنگ بر نخواهیم داشت هر چند خدمت ما تمام شود باز هم یاریش می کنیم و از شما پدر عزیزم توقع داریم که بدرقه ام نکنی که اجرم ضایع می شود. شهید سید محمد ابراهیم کمالی در منطقه عملیاتی: شرهانی، موسیان، دهلران، جزیره مجنون، طلائی به عنوان دیده بان و خط نگهدار انجام وظیفه نمود و سرانجام بعد از ۷ الی ۸ ماه حضور در منطقه جنگی نفت شهر در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۳ ب راثرا اصابت ترکش خمپاره دشمن بعثی به سنگرش به درجه رفیع شهادت نائل آمد. محل خدمتشان (تیپ ۵۸ ذوالفقار) نیروی زمینی بود و قسمتی از بدن مطهرش که در منطقه عملیاتی نفت شهر کنار کله قندی به شهادت رسیده بود باقی مانده بود بعد از انتقال پیکر مطهر شهید به عقب پیدا شده و توسط همزمانش در همان منطقه دفن شد لکن پیکر مطهر شهید به زادگاهش در جامخانه منتقل شد. پدر بزرگوار شهدای جامخانه با دستان خودش و با دل محزونش به خاک سپرد. «یاد و راهش گرامی و جاودانه باد» شهدا در قهقهه مستانه شان و درشادی و وصولشان عند ربهم یرزقونند.

شهید دوست محمد بازاری

تاریخ شهادت: ۶۱/۱/۱۵ محل شهادت: مریوان ارتفاعات مارد

شهید دوست محمد بازاری در سال ۱۳۴۲ در یک خانواده مذهبی و کشاورز در روستای جامخانه ساری دیده به جهان گشود. وی در ۷ سالگی برای آموختن علم به مدرسه رفت و تکالاس چهارم ابتدائی ادامه تحصیل داد و چون در تنگدستی و مشکلات به سر می برد مجبور شد مدرسه را رها کند و به کارپردازد. وی قبل از خدمت مقدس سربازی پدر بزرگوارش را از دست داد. بار سنگین خانواده به دوش او و برادرش افتاد. از خصوصیات اخلاقی شهید عزیز این بود که همیشه به ذکر خدامشغول بود مردی باتقوا و مؤمن بوده و همیشه به فکر بیچارگان و درماندگان بود و به حالشان زاری می کرد. در ۱۸ سالگی به خدمت سربازی برای آموزش به شاهرود اعزام شد. وی در ارتش جمهوری اسلامی به انجام وظیفه مشغول بود. شهید بزرگوار هر بار که به مرخصی می آمد به مادرش می گفت مادر خو شحال باش وقتی پیروز شدیم شما را به کربلای برم کنار قبر شهید کربلا. به مادرش می گفت: مادرم اگر شهید شدم برای من گریه نکن من باید صدام و صدامیان را از بین ببرم و اسلام را پیروز نمایم. چه با سلاحم باشد و چه با خود فرقی نمی کند. شهید بزرگوار در آخرین بار که به مرخصی آمد در شب آخر در خواست مهر و جانماری کرد. می گفت مادر سنگر نماز می خوانیم و من سجده روی سنگ می گذارم و مهر و جانماری ندارم و سفارش کرد همان مهر و جانماز را موقع دفن در قبرم بگذارید و برای چندمین بار به شما سفارش می کنم که پیرو امام ((ره)) باشید از امت مسلمان می خواهد که این پیرمرد (رهبر عزیز خمینی کبیر) را دعا کنند. مادر جان اگر نیامد ناراحت نباش من میروم تا به علی اکبر حسین (ع) بپیوندم به طوری که او از قبل خبر داشته که شهید می شود به قول هم سنگران او توانست چند نفر از صدامیان را از بین ببرد و بعد از موفقیت موقع برگشتن با اصابت ترکش توپ دشمن به درجه رفیع شهادت نائل آمد یعنی مورخه ۱۳۶۱/۱/۱۵ در منطقه عملیاتی مریوان به شهادت رسید یاد و راهش گرمی و جاودانه باد. گر چه پیکر مطهرش باز نگشت ولی روح پاکش به مولایش امام حسین (ع) پیوست.

شهید محمد خائفی (رمضان)

شهید محمد خائفی (۱۳۴۶ جامخانه _ ۱۳۶۷ فکه) متولد روستای زیبای جامخانه شهرستان شهید پرور میانرود استان مازندران است. محمد خائفی در خانواده ای با ایمان و دوستدار اهل بیت علیه السلام متولد شد، مادرش سکینه جهان دیده و پدرش رمضان نام داشت. محمد خائفی در سایه محبت های پدر و مادر پاکدامن و مهربانش دوران کودکی را پشت سر گذاشت و بعد وارد مدرسه شد و به فراگیری تحصیل پرداخت، تحصیلات را در مقطع دوم راهنمایی با موفقیت پایان رسانید. شهید بزرگوار در سال ۱۳۶۴ از دواج کرد و از او یک پسر به یادگار مانده. محمد خائفی سرباز ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده و در لشکر ۷۷ ثامن الائمه به اسلام خدمت می کرد که در ۲۲/۰۴/۱۳۶۷ هجری شمسی در منطقه عملیاتی فکه بر

اثر بمباران هوایی دشمن شهد شیرین شهادت نوشید و در جوار رحمت الهی جای گرفت. شهید خانفی پس از تشییع در زادگاهش جامخانه دفن شد. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اهداف اصلی شهدای جامخانه به مانند سایر شهدا در سه ویژگی بوده و عبارتند از الف: فی سبیل الله ب: آگاهی ج: اختیار که داشتن روحی بزرگ و توانمندی پیش‌نیازی برای رشادت و شهادت محسوب می‌گردد. هنگامی که فرهنگ شهادت در جامعه رواج یافت، شوق و شعفی در قلوب به وجود آمده که سبب مسابقه و رقابت بر سر کسب این مقام می‌شود. پیامبر گرامی اسلام (ص)، با ترویج فرهنگ جهاد و شهادت توانست با جمع اندک و ناتوان (به لحاظ مادی) مسلمانان اولیه، نصرت و یاری خداوند متعال را کسب کرده، بزرگترین ضربه‌ها را بر پیکر کفر و شرک زده و سبب تثبیت و گسترش سریع اسلام شود. همان‌طور که جهاد، رشادت و شهادت، سبب عزت مسلمانان می‌شود، سرباز زدن از جهاد و شهادت، سبب سلطه دشمنان کینه‌توز بر اسلام و مسلمانان می‌گردد.

باری می‌توان گفت: رزمندگان و شهدای والا مقام با ارائه سبک زندگی متأثر از مکتب حسینی (ع) بالاترین خدمت را به جامعه اسلامی ارائه کرده‌اند. آنان از عزیزترین و بالاترین موهبت الهی یعنی جان خود، دست شسته و آن را آگاهانه تقدیم به اسلام نمودند. مهم‌ترین مولفه‌های بررسی زندگانی شهدای جامخانه عبارتند از: از وطن پرستی، بصیرت‌بخشی، عدالت‌طلبی، دنیاگریزی و ساده‌زیستی، مسئولیت و ولایت‌پذیری، استقلال‌گرایی، شهادت‌طلبی، پاسداری از نظام و امر به معروف و نهی از منکر، استخراج و معرفی شود. در دنیای مدرن ثروت و مصرف مهم‌ترین عامل کسب منزلت است. شهدا و رزمندگان با افتخار به گمنامی و خدمت بی‌منت و با تاسی به سید و سالار شهیدان سبکی متفاوت از زندگی را فراروی بشر قرار دادند. دفاع مقدس چشمه‌ای است که از قله کربلا جاری شد و فرهنگ عاشورایی عنصر کانونی سبک زندگی شهدا و رزمندگان است. رزمندگان و شهدا عالی‌ترین مظهر ارائه‌کننده سبک زندگی الهی - اسلامی بوده‌اند و شیوه زندگی آنها برای ما بخصوص جوانان و مسئولان همواره چراغ راه است.

منابع

- آخوندی، محمدباقر، (۱۳۸۳)، هویت ملی مذهبی جوانان، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اکبرلو، منوچهر (۱۳۹۶) "به ادبیات مقاومت نگاه نفتی داریم" مجله الکترونیکی <https://www.khabaronline.ir/news/190746/>
- بی نیاز، فتح الله (۱۳۸۲). "نگاهی به ادبیات پایداری (ادبیات جنگ و موج نو)"، به اهتمام شاهرخ تندرو صالح، فرهنگسرای پایداری.
- سنگری، محمدرضا؛ (۱۳۸۰). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس و فرهنگ عاشورا؛ قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
- کمری علیرضا، (۱۳۸۰). "نگاهی دیگر پیرامون ادبیات دفاع مقدس و جنگ" (نام آورد: دفتر اول)، دفتر ادبیات و هنر مقاومت.
- کوثری مسعود، (۱۳۸۲). "بررسی جامعه شناختی داستان‌های کوتاه جنگ (ادبیات جنگ و موج نو)"، به اهتمام شاهرخ تندرو صالح، فرهنگسرای پایداری.
- محمدرضایی، علی اکبر وحسینعلی سرگزی و قاسمعلی کابلی وزینب الوستانی، (۱۳۹۰)، شناسایی عوامل وموانع فرهنگ ایثار وشهادت (مطالعه موردی: استان گلستان)، تبیان.
- آرشیو شهدای جامخانه: <http://jamkhane.ir/category/martyrs/>



تصویر: تشیع جنازه یکی از شهدای جامخانه در دهه ۶۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوره دین اسلام به رهبر سیر امام بزرگوار و سلام به خاورهای سوادای اسلام
ایجاب قدرت الهی در این سرانجام از زبان راه بیرون به هدف خود را
رد. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انتخاب کرده ام در این سرانجام از زبان کلام و دشمنان اسلام و خواد انسانیت
در روی زمین مادی کنند و حق را به ناقص خیر را به شر، عدل را به ظلم،
هدایت را به فساد و جهالت، عهد را به نقض، ایمان را به کفر و منافقت
جوان مردی د آزادی را به بردگی، دین را به عین و ایمان را به تایل چینی

نمونه ای از دست خط شهید قدرت ا... باقری



آرامگاه جامخانه دهه ۶۰





از سمت راست نفر دوم شهید عیسی زحمتکش - سال ۱۳۵۰ جشن افتتاح مدرسه دبستان
پایین محل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی